

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال^۱

مترجمان: جواد صادقی^۲

مرتضی یعقوبی عزیز^۳

چکیده

در این مقاله به مفاهیم امروزی نظریه در مطالعات روزنامه‌نگاری پرداخته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران بر این عقیده‌اند که ما نیازمند روش‌ها و راهکارهای بهتری در زمینه مفهوم‌سازی چپستی روزنامه‌نگاری و چگونگی گسترش آن در عصر دیجیتال هستیم. اما دانش و اطلاعات ما در این زمینه‌ها بسیار اندک است، به طوری که به خوبی نمی‌دانیم که در حال حاضر روند نظری در حوزه میان‌رشته‌ای مطالعات روزنامه‌نگاری چیست و تا چه اندازه تحقیقات و مطالعات امروزی به واسطه نظریه‌ها و دیدگاه‌های در حال ظهور چارچوب‌بندی شده‌اند. از این‌رو، به‌منظور پر کردن این شکاف اطلاعاتی، تحلیلی را بر روی بیش از ۹۰۰۰ کلمه کلیدی متادیتا^۴ و ۱۹۵ چکیده مقاله برگرفته از برترین مجلات بین‌المللی مرتبط با مطالعات روزنامه‌نگاری چاپ‌شده در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ انجام دادیم. نتایج نشان داد که از سال ۲۰۰۰ میلادی، شاهد حرکتی محسوس به سمت مطالعات نظری در مطالعات روزنامه‌نگاری بودیم و تنوع در رویکردهای نظری به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

واژگان کلیدی: روزنامه‌نگاری دیجیتال، مطالعات روزنامه‌نگاری، نظریه، نظریه‌های روزنامه‌نگاری.

۱. این مقاله، ترجمه مقاله‌ای با عنوان «Theories of Journalism in a Digital Age» است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات؛ روزنامه‌نگاری، دانشگاه صداوسیما (نویسنده مسئول)
javadsadeghi1992@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد ارتباطات؛ روزنامه‌نگاری، دانشگاه صداوسیما
Yaghoubi.m7@gmail.com

مقدمه

در طی ۱۵ سال اخیر، تحقیقات در حوزه روزنامه‌نگاری بر روی مسائلی همچون چگونگی تأثیر دیجیتالی شدن بر روی فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، فرهنگ روزنامه‌نگاری و همچنین مؤسسات فعال در این حوزه متمرکز شده است. مباحث و مطالعات ابتدایی بیشتر حول محور این سؤال می‌چرخد که آیا دیجیتالی شدن منجر به بروز تغییرات گسترده و یا جزئی در حوزه روزنامه‌نگاری خواهد شد یا خیر. با این حال، اخیراً اقداماتی در زمینه مسائل کلیدی و اساسی حوزه روزنامه‌نگاری دیجیتالی صورت گرفته است که از میان آنها می‌توان به «چیستی ماهیت در حال تغییر روزنامه‌نگاری» اشاره کرد. (Broersma and Peters 2013, 2). بنابراین، امروزه شاهد شکل‌گیری «موج چهارم» تحقیقات در زمینه روزنامه‌نگاری دیجیتالی هستیم. این موج - که پس از موج‌های هنجاری، تجربی و سازنده به‌وجود آمد (Domingo, 2008) - زمینه‌ای فراتر از نهادهای سنتی و درک روزنامه‌نگاری را به‌صورت نظریه بیان می‌کند؛ به‌طوری‌که برای نمونه، موضوعاتی همچون «اکوسیستم خبر» (Anderson, 2010)، «دورنمای خبر» (Peters and Broersma, 2013)، «محیط پیرامون» (Hermida, 2010) و «روزنامه‌نگاری شبکه‌ای» (Russel, 2013; Heinrich 2010) را بررسی و موشکافی می‌کند.

آنچه در موج چهارم واضح و مبرهن است، این است که دیجیتالی شدن نیاز به ارزیابی دوباره نظریه‌های مرتبط در این زمینه را برای درک بهتر روزنامه‌نگاری به‌وجود آورده است. از آغاز هزاره جدید، صاحب‌نظران درصدد کشف حوزه وسیع‌تری از دیدگاه‌های نظری مطالعات روزنامه‌نگاری برآمدند (Zelizer 2000; Zelizer 2004; Franklin et al. 2000; Ioffelholz 2008; Mitchelstein and Boczkowski 2009). چهارمین موج از تحقیقات پیرامون روزنامه‌نگاری دیجیتالی به‌منظور پاسخگویی به این مسائل آغاز و مسئله مهم روزنامه‌نگاری دیجیتالی و فعالیت روزنامه‌نگاری منجر به شکل‌گیری پاسخ‌ها و سؤالات جدیدی شد.

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۱۷

در مقدمه این مقاله، دورنمایی را به تصویر کشیدیم که در آن، نظریه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری از آغاز قرن ۲۱ مطرح شده بود. ما این کار را با استفاده از تجزیه و تحلیل محتوای نظری مقاله‌های چاپ‌شده در معتبرترین مجلات به نام «مطالعات روزنامه‌نگاری» و «روزنامه‌نگاری» انجام دادیم. (نظریه، عمل و انتقاد از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳). روش ما می‌تواند به‌عنوان راهکار تحلیلی بر روی تاریخچه اخیر تحقیقات روزنامه‌نگاری مورد توجه قرار گیرد. تلاش ما بر است تا مفاهیم نظریه در مطالعات روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال را بررسی کنیم.

بلوغ در حال رشد مطالعات روزنامه‌نگاری

عبارت «نظریه‌های روزنامه‌نگاری» به‌طور تلویحی بیان می‌کند که مطالعات روزنامه‌نگاری عبارت است از یک رشته دانشگاهی به همراه مجموعه‌ای از نظریه‌های ثابت‌شده در این حوزه که جامعه محققان آن را به رسمیت می‌شناسند. با این حال، چنین پیش‌فرضی می‌تواند نقد شود. به گفته بکر^۱ و تراولر^۲ (۲۰۰۰) آنچه منجر به شکل‌گیری یک رشته دانشگاهی می‌شود، می‌تواند از دو روش مورد ارزیابی قرار گیرد:

۱. وجود یک چارچوب ساختاری که رشته را از طریق شفاف‌سازی در عناصر سازمانی مؤسسات تحصیلات تکمیلی؛ در سازمان‌ها و کنفرانس‌های علمی و در مجلات دانشگاهی مختص تحقیقات مرتبط با رشته مشخص می‌کند.

۲. وجود فرهنگ دانشگاهی خاص با مجموعه‌ای مشترک از نظریه‌ها و روش‌هایی که به‌واسطه سنت‌ها، آداب، اعمال، دانش انتقال‌یافته، اعتقادات، اخلاقیات و همچنین فرم‌های ارتباطی زبانی و نشانه‌ای و معنی‌ای که با خود حمل می‌کنند، حفظ شده است. (۲۰۰۱، ۴۷)

مطالعات روزنامه‌نگاری ظاهراً در حال تبدیل شدن به رشته‌ای دانشگاهی است. برنامه‌های مرتبط با مطالعات روزنامه‌نگاری در بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها به

1. Becher

2. Trowler

اندازه‌ای گسترش پیدا کرده‌اند که این رشته در حال حاضر، به‌عنوان یکی از رشته‌هایی که با سرعت زیاد در میان رشته‌های تحصیلات تکمیلی در حال پیشرفت است، شناخته می‌شود. (Conboy 2013, xi). بخش‌ها و زیرشاخه‌های مطالعات روزنامه‌نگاری در بسیاری از سازمان‌های تحقیقاتی بزرگ ارتباطی ثبت شده‌اند که از میان آنها می‌توان به انجمن بین‌المللی ارتباطات (ICA)، انجمن بین‌المللی رسانه و پژوهش‌های ارتباطی (IAMCR) و انجمن آموزش و مطالعات ارتباطات اروپا (ECREA) اشاره کرد. اجلاس متعددی به مطالعات روزنامه‌نگاری اختصاص یافته است - برای نمونه می‌توان به کنفرانس «آینده روزنامه‌نگاری» در دانشگاه کاردیف - اشاره کرد. هم‌زمان با آغاز هزاره جدید، شاهد ظهور ژورنال‌ها و مجلات متعددی در زمینه روزنامه‌نگاری بوده‌ایم؛ مانند روزنامه‌نگاری - نظریه، عمل و انتقاد، مطالعات روزنامه‌نگاری، فعالیت روزنامه‌نگاری و به تازگی، روزنامه‌نگاری دیجیتال. اگر با چنین عینکی (لنزی) به این حوزه بنگریم، به نظر می‌رسد که مطالعات روزنامه‌نگاری در جهتی خلاف موضوع اصلی در حال حرکت است: در حالی که امروزه روزنامه‌نگاری - نه به دلیل دیجیتالی شدن - بلکه بواسطه محو شدن مرزهای از پیش تعیین‌شده و به‌دنبال از دست دادن استقلال خود به‌عنوان یک حرفه مورد توجه قرار گرفته، اما مطالعات روزنامه‌نگاری به دنبال استقلال و تعیین حدود این رشته با دیگر رشته‌هاست.

با این حال، اگر نکته دومی را که در بالا به آن اشاره کردیم، در نظر بگیریم، این تصویر پیچیده‌تر خواهد شد. فرهنگ دانشگاهی مشترک و خاصی به مطالعات روزنامه‌نگاری توجه کرده است. همان‌طور که Zelizer (2004) عنوان می‌کند مطالعات روزنامه‌نگاری، میان‌رشته‌ای است، از این‌رو، از هویتی متکثر برخوردار است، به کمک خصوصیات ملی شکل می‌گیرد، تفاوت‌هایی میان دانش روزنامه‌نگاری و آموزش روزنامه‌نگاری ایجاد می‌کند و در واقع، «به‌طور غیر یکنواخت از میان علوم انسانی و اجتماعی قرض گرفته است». (2004, 19)

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۱۹

تحقیقات در زمینه روزنامه‌نگاری از دامنه گسترده‌ای از رشته‌ها، علوم عمدتاً سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، مطالعات زبان و فرهنگ نشأت می‌گیرد. به گفته Zelizer، این امر منجر به شکل‌گیری زمینه‌ای از مطالعات روزنامه‌نگاری بوده که در جنگ با خود است. از طرفی دیگر با تلاش‌های دانشگاهی مستقلی که در رشته‌های مختلف و بدون دانش مشترک مورد نیاز برای تحقیق علمی انجام می‌شود، نیز در تعارض است. (2009, 34)

ظهور اخیر چارچوب ساختاری برای حمایت از مطالعات روزنامه‌نگاری به‌عنوان یک رشته احتمالی، منجر به تلاش‌هایی شده است که تحقیقات مختلف در زمینه روزنامه‌نگاری را به یکدیگر پیوند می‌زند، بنابراین منجر به انسجام فرهنگ دانشگاهی می‌شود. باربی زیلیزر^۱ به‌طور خاص از طریق کارهای چاپ‌شده‌اش یکی از مؤثرترین شخصیت‌ها در این زمینه بوده است. او در اولین شماره از ژورنال *Journalism*^۲ در سال ۲۰۰۰، منشور ژورنال را به‌منظور مطالعه روزنامه‌نگاری در تمامی زمینه‌های آن مطرح و از طیف گسترده‌تری از دیدگاه‌های نظری، شرایط فرهنگی و تاریخی و روش‌های تحقیق استقبال کرد (Zelizer 2000, 12). در همان سال سردبیران *مطالعات روزنامه‌نگاری*^۳ برنامه مشابهی اجرا کردند که از مشارکت‌هایی که بیانگر طیف گسترده دیدگاه‌های نظری بودند، حمایت و آن را تشویق می‌کردند (Franklin et al. 2000, 5). از یک طرف، همگان خواهان به رسمیت شناختن مطالعات روزنامه‌نگاری به‌عنوان یک رشته هستند، اما از طرفی دیگر به نظر می‌رسد که می‌توان از طریق تکرار دیدگاه‌های نظری، بهتر به این رشته کمک کرد.

علاوه بر این، در دهه اخیر شاهد چاپ کتاب‌های متعددی بوده‌ایم که به رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در زمینه مطالعات روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند که شامل مفاهیم کلیدی در *مطالعات روزنامه‌نگاری*^۴ (Franklin et al. 2005)؛ *کتابچه راهنمای*

-
1. Barbie Zelizer
 2. Journalism
 3. Journalism Studies
 4. Key Concepts in Journalism Studies

مطالعات روزنامه‌نگاری^۱ (Wahl-Jorgensen and Hanitzsch 2009a)، پژوهش‌های روزنامه‌نگاری جهانی^۲ (Löffelholz, Weaver, and Schwarz 2008)؛ مطالعات روزنامه‌نگاری: مبانی^۳ (Conboy 2013) و روزنامه‌نگاری^۴ (Tumber 2008) می‌شوند. در این چهار کتاب، قانون کلی مطالعات روزنامه‌نگاری آمده است. این ادبیات، پیشرفت نظری مطالعات روزنامه‌نگاری را به تصویر می‌کشد.

به‌عنوان مثال، Wahl-Jørgensen و Hanitzsch (2009b) تاریخچه مطالعات روزنامه‌نگاری را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند: مراحل هنجاری، تجربی، اجتماعی و مقایسه‌ای جهانی. این مراحل با یکدیگر همزیستی و همپوشانی دارند، اما ظهور آنها را می‌توان در طول زمان، ترسیم کرد. مرحله هنجاری، نشان‌دهنده آغاز مطالعات روزنامه‌نگاری در ابتدای قرن بیستم میلادی است (حتی قبل‌تر در آلمان)، زمانی که صاحب‌نظران، به مسائلی همچون این موارد که روزنامه‌نگاری باید چه باشد و چگونه روزنامه‌نگار باید کارش را انجام دهد، اهمیت می‌دادند. در این مرحله به روزنامه‌نگار به‌عنوان یک شخص نگرینسته و توجه می‌شد و در نتیجه، سطح پیچیدگی نظری، پایین بود (Löffelholz 2008, 16).

مرحله تجربی از آمریکا نشئت گرفته و پایه و اساس آموزش روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را شکل می‌دهد. در سال ۱۹۲۴، بولتن روزنامه‌نگاری^۵ متولد شد (بعدها به فصلنامه روزنامه‌نگاری و ارتباطات جمعی^۶ تغییر یافت) که برای اولین بار، پیشنهادی را برای تحقیقات تجربی در شکل، محتوا و تأثیر روزنامه‌نگاری ارائه کرد (Singer 2008, 145). سپس، تلاش‌هایی در زمینه تحقیق تجربی شکل گرفت که منجر به کشف نظریه‌های

1. The Handbook of Journalism Studies
2. Global Journalism Research
3. Journalism Studies: The Basics
4. Journalism
5. Journalism Bulletin
6. Journalism & Mass Communication

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۲۱

روزنامه‌نگاری در سطح متوسط شد. همانند نظریه «دروازه‌بانی خبر»^۱ از وایت^۲ در سال ۱۹۵۰ (Loffelholz 2008, 18; Wahl-Jorgensen and Hanitzsch 2009b, 6). این مرحله به‌طور کامل تحت تأثیر چرخش تجربی در علوم اجتماعی قرار گرفت و تغییر در توجه از افراد به سازمان‌ها را به‌وجود آورد؛ تغییری که فراتر از مرحله اجتماعی صورت گرفت.

دو نمونه اولیه از این تغییر شامل «کنترل اجتماعی در اتاق خبر» (۱۹۹۵) از برید^۳ و «ساختار خبرهای خارجی» گالتونگ و روج (۱۹۶۵) می‌شوند که مورد نخست سیاست اتاق خبر را با یک روش قوم‌نگاری بررسی کرد و مورد دوم، نیز «تحقیق کوچکی بود که منجر به درک جامعی از فرایند انتخاب خبر شد» (Zelizer 2004, 54). همچنین، تحقیقات در زمینه ساختار تولید خبر بین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به اوج خود رسید که شامل بررسی‌های انتقادی حول مواردی همچون: انجمن‌ها، فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌شدند. رویکرد جامعه‌شناختی به مطالعات روزنامه‌نگاری، هم‌زمان با اهمیت یافتن تأثیرات مطالعات فرهنگی (در بریتانیا و آمریکا) و نظریه سیستم‌ها (در آلمان)، بسیار متنوع و متکثر شد. این تنوع به عقیده شودسن (۲۰۰۵)، به چهار رویکرد در جامعه‌شناسی خبر تقسیم می‌شود: ساختار اقتصادی خبر، زمینه سیاسی تولید خبر، سازمان اجتماعی کار خبری و رویکردهای فرهنگی.

چهارمین مرحله از مطالعات روزنامه‌نگاری را Wahl-Jorgenson و Hanitzsch (2009b) مشخص کردند که در حال حاضر توسعه‌دهنده هزاران رویکرد نظری در مطالعات روزنامه‌نگاری است. این مرحله به‌واسطه افزایش همکاری و کارهای شبکه‌ای در میان صاحب‌نظران با ارتقای برنامه تحقیقاتی بین‌المللی که بر ماهیت جهانی و دیجیتالی سیستم‌های اطلاعاتی تأثیر می‌گذارد، اهمیت یافت. این مرحله جهانی، به‌طور نزدیکی با آنچه ما امروز به‌عنوان «عصر دیجیتال» تعریف می‌کنیم، گره خورده است؛ به‌طوری

-
1. Gatekeeper
 2. White
 3. Breed

که در آن نظریه‌ها، ساختارهای منسجمی به خود می‌گیرند و فعالیت‌های روزنامه‌نگاری به بهترین شکل انجام می‌شود. این مرحله از طریق برداشتن بسیاری از مرزها: میان کشورهای عضو؛ بازارهای ملی؛ محلی و جهانی؛ عمومی و خصوصی؛ ارتباطات جمعی و ارتباطات تعاملی؛ حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای؛ تولید و مصرف و مشاغل اهمیت یافته است. این تغییرات نیازی را به وجود آورد تا بار دیگر در مورد روزنامه‌نگاری اندیشیده و به تبع آن، نظریه‌های روزنامه‌نگاری نیز دوباره ارزیابی شود. اما نباید این چنین استنباط کرد که نظریه‌هایی که پیشتر ارائه شدند، دیگر در عصر دیجیتال ما اعتباری ندارند و عمر آنها به پایان رسیده است. Löffenholtz می‌گوید، از یک طرف، نظریه‌های هنجاری گذشته «از انعطاف‌پذیری بالایی برای همگامی و همسویی با رسانه‌ها و دنیای ارتباطات جدید برخوردار نیستند» (2008, 25) چراکه براساس درک سیاسی چارچوب‌بندی شده‌اند که دیگر کاربردی در زمان حال ندارند. به‌عنوان مثال می‌توان به رابطه هنجاری میان روزنامه‌نگاری و دموکراسی اشاره کرد که منجر به سایه افکندن دیدگاه‌های علم سیاست بر روزنامه‌نگاری شده است. Zelizer (2013) عنوان می‌کند که دموکراسی به‌عنوان یک مفهوم، دیگر جایگاه خود را در روزنامه‌نگاری از دست داده و دیگر وقت بازنشستگی‌اش فرا رسیده است. از طرفی دیگر، نظریه سیستم‌ها، نظریه‌های فرهنگی (مثلاً نظریه انتقادی، ماتریالیسم، نظریه‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی (معنی‌شناسی) و آنچه Löffenholtz نام‌گذاری می‌کند به‌عنوان «نظریه‌های اجتماعی یکپارچه» (به‌عنوان مثال، نظریه ساخت، نظریه میدان و نظریه کنش ارتباطی)، همگی «از ظرفیت قابل توجهی برای ایده‌های جدید و ارتقای مفاهیم برخوردارند و نمی‌توان گفت که عمرشان به پایان رسیده است» (2008, 25). بنابراین، این پیشرفت مطالعات روزنامه‌نگاری نباید مبتنی بر «تعویض نظریه‌های «تاریخ گذشته» باشد، بلکه می‌بایست بر مبنای افزایش پیچیدگی در میان ظهور نظریه‌های جدید و اصلاح نظریه‌های قدیمی باشد». (2008, 26)

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۲۳

از یک سو، به‌طور دقیق مشخص نیست که تا چه اندازه مطالعات روزنامه‌نگاری امروزی، از طریق نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید چارچوب‌بندی می‌شوند و از سویی دیگر، هنوز نمی‌دانیم که تا چه اندازه این مطالعات براساس اصلاحات و اقتباس‌هایی از نظریه‌های قدیمی تنظیم شده‌اند. برای پر کردن این شکاف آگاهی، تحقیقی را بر روی تمامی مجلات معتبر بین‌المللی حوزه روزنامه‌نگاری که به‌طور تخصصی در حوزه مطالعات روزنامه‌نگاری فعالیت می‌کنند، انجام دادیم: *Criticism Journalism – Theory, Practice and* (Sage) و *Journalism Studies* (Routledge/Taylor & Francis).

گفتنی است که این میزان از تاریخچه اخیر مطالعات روزنامه‌نگاری نمی‌تواند به‌طور کامل پیشرفت‌ها در قسمت‌های مختلف جهان را شامل بشود، اما می‌تواند تصویری از این رشته را از طریق دو روش انتشاراتی منسجم ارائه کند. این تحلیل بر مبنای سؤال‌های تحقیق زیر صورت گرفته است:

دیدگاه‌ها و نظریه‌های میان‌رشته‌ای غالب مورد استفاده در این مجلات چیست؟ آیا تغییری هم بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ در چارچوب‌بندی نظری این موارد در روزنامه‌نگاری ایجاد شده است؟

مفاهیم نظریه در مطالعات روزنامه‌نگاری در قرن بیست‌ویکم

برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، ما در ابتدا تمام کلمات کلیدی فراداده^۱ را از مقالات منتشرشده در مجلات روزنامه‌نگاری و مطالعات روزنامه‌نگاری بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ به‌عنوان نمونه خارج کردیم. سپس، این نمونه‌های استخراج‌شده را در چکیده‌های این مقالات نیز که در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۲ که در هر دو مجله چاپ شدند، بررسی کردیم.

کلمات کلیدی و چکیده‌ها، بیانگر دیدگاه‌ها و مضمون غالب در نشریات هستند و بنابراین، می‌توانند به‌منظور پی بردن به روندهای نظری احتمالی در این حوزه مؤثر

1. Metadata

باشند. البته روش استاندارد شده‌ای برای نویسندگان مقالات که چه کلمات کلیدی انتخاب کنند، و اینکه چه کلماتی را در چکیده بگنجانند، وجود ندارد. با این حال، چکیده‌ها و کلمات کلیدی بیانگر ژانر نویسندگی دانشگاهی هستند. چکیده‌ها، بخشی از مقالات هستند که با کمک آنها می‌توان نظریه‌های به‌کاررفته را استخراج کرد.

(برای مثال، ببینید: Day and Gastel 2012; Körner 2008)

بخش مرتبط با کلمات کلیدی نشان می‌دهد که کلمات انتخاب‌شده (۱) به‌عنوان تشخیص‌دهنده متادیتای فنی برای موتورهای جست‌وجو و دسته‌بندی‌های کتابخانه‌ای عمل می‌کنند و (۲) حامل این پیام هستند که تا چه اندازه به معنی فرهنگی کلمات کلیدی پی می‌بریم. در همین زمینه ویلیامز^۱ (۱۹۵۸) عنوان می‌کند که کلمات کلیدی نشان‌دهنده تغییر فرهنگی هستند: کلمات کلیدی همچون «فرهنگ» و «کاپیتالیسم» معانی متفاوتی را در فرهنگ‌های مختلف دارند. بنابراین، یک کلمه کلیدی ممکن است به‌عنوان «یک کلمه و یا عبارتی تعریف شود که اغلب توسط گروه‌های مختلف فعالان اجتماعی برای اهداف مختلف بسیج شده‌اند و معانی‌شان ممکن است در زمان‌های مختلف تغییر کند.» (Ghaziani and Ventresca 2005, 524). کلمات کلیدی و چکیده‌ها در مجلات دانشگاهی می‌توانند بیانگر کشمکش‌های گفتمانی و تغییرات درون یک رشته باشند.

ما تحلیل خود را بر مبنای توصیف (Zelizer (2014) از دیدگاه بین‌رشته‌ای در مطالعات روزنامه‌نگاری پایه‌ریزی کردیم:

* علم سیاسی: این تحقیق نقش روزنامه‌نگاری و رسانه در نظام‌های سیاسی مختلف، رابطه میان سیاست و روزنامه‌نگاری و استفاده کردن از منابع الگوها در روزنامه‌نگاری را تحلیل می‌کند.

* جامعه‌شناسی: تحقیق بر روی روابط، روال‌های عادی کار و تعاملات میان آنهاست که در تولید، سازمان‌دهی مؤسسات و ساختار خبری درگیرند (از جمله هنجارها و ارزش‌های حرفه‌ای) که به بهبود کارشان کمک می‌کند.

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۲۵

* تاریخ: تحقیق بر روی تجزیه و تحلیل فعالیت‌های قبلی و ساختارهای روزنامه‌نگاری، اغلب به‌منظور درک روزنامه‌نگاری معاصر.

* زبان: تحقیق بر روی تجزیه و تحلیل متون روزنامه‌نگارانه، به‌عنوان نمونه با به‌کارگیری زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی (معنی‌شناسی)، ژانر، گفتمان یا نظریهٔ چارچوب‌بندی شده؛ که شامل علم بیان، نظریهٔ روایتی و ادبی می‌شود.

* تحلیل فرهنگی: تحقیق با تمرکز بر روی فاکتورهای متنی که فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، ساختار خبر، سیستم‌های نماد فرهنگی این حرفه، خود - بازتابی^۱ و هویت روزنامه‌نگارانه، کلیشه‌ها، طرح اصلی، اسطوره‌ها، فرهنگ عامه‌پسند و روزنامه-نگاری تابلوئید^۲ و جریان اصلی را شکل می‌دهد.

علاوه بر این، ما اقتصاد، فلسفه، حقوق و فناوری (Zelizer, 2004, 8) را نیز به‌عنوان جنبه‌های مختلفی که بر مطالعات روزنامه‌نگاری تأثیر می‌گذارند، گنجانیدیم.

* اقتصاد: تحقیقی که در زمینهٔ مدیریت رسانه، مدل‌های کسب‌وکار، یارانهٔ مطبوعات، ادغام شرکت‌های رسانه‌ای و غیره متمرکز است.

* فلسفه: تحقیقی که در زمینهٔ سؤالات اخلاقی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مرتبط با روزنامه‌نگاری متمرکز است.

* حقوق: تحقیقی که مسائل حقوقی مرتبط با روزنامه‌نگاری را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ برای مثال، قانون حریم خصوصی، قوانین آزادی اطلاعات و غیره.

* فناوری: تحقیقی که فناوری را به‌عنوان نقطهٔ شروع خود در تحلیل روزنامه‌نگاری چه به‌صورت نظری و چه به‌صورت عملی مورد توجه قرار می‌دهد؛ به‌عنوان مثال تعامل، چندرسانه‌ای، فرامتن و غیره.

اگرچه این طبقه‌بندی قابل بحث است و مرزها همیشه به این واضحی مشخص نیست، اما تصمیم بر آن شد تا به‌منظور جلوگیری از سردرگمی فرد در حد فاصل میان‌رشته‌ای این

1. self-reflection

2. tabloid

حوزه، تحلیل‌های خود را بر روی یک چارچوب موجود بنا کنیم. با این حال، به‌منظور حفظ انعطاف‌پذیری، نظریه‌های ذکرشده در چکیده را نیز به حساب آوردیم.

تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی - نمونه و روش

هدف تحلیل کلمات کلیدی ارائه یک نقشه از دیدگاه‌های نظریه و نوسانات احتمالی آنها در مقالات مجلات بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ بود. ما تمامی کلمات کلیدی را از مقالات (شامل سرمقاله، مقالات مباحثه‌ای، بررسی کتاب و غیره) که در ۱۴ جلد بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ منتشرشده بود، استخراج کردیم. نتایج را می‌توانید در این جدول مشاهده کنید.

جدول ۱. تعدادی از مقالات و کلمات کلیدی متادیتا در مجموعه داده‌ها

کلمات کلیدی ۲۰۰۰-۲۰۱۳	مقالات ۲۰۰۰-۲۰۱۳	کلمات کلیدی ۲۰۰۷-۲۰۱۳	مقالات ۲۰۰۷-۲۰۱۳	کلمات کلیدی ۲۰۰۰-۲۰۰۹	مقالات ۲۰۰۰-۲۰۰۹	
۶,۶۰۸	۶۱۱	۴,۵۵۱	۳۵۹	۲,۰۵۷*	۲۵۲	مطالعات روزنامه‌نگاری
۲,۵۶۶	۴۱۹	۱,۷۶۹	۲۹۳	۷۹۷	۱۲۶	روزنامه‌نگاری
۹,۱۷۴	۱,۰۳۰	۶,۳۲۰	۶۵۲	۲,۸۵۴	۳۷۸	هر دو

* عدد شامل هم نویسنده و هم کلمات کلیدی ارائه‌شده در پایگاه داده است.

از نیمه نخست تا نیمه دوم دوره زمانی یاد شده، شاهد افزایش چشمگیر مقالات و کلمات کلیدی بوده‌ایم. در سال ۲۰۰۰ میلادی، مجله روزنامه‌نگاری سه شماره منتشر می‌کرد که در هر شماره، پنج مقاله اصلی منتشر می‌شد. این تعداد در سال ۲۰۱۳ به هشت شماره ارتقا یافت که در هر شماره، هفت الی هشت مقاله به چاپ می‌رسید. در

خصوص مجله مطالعات روزنامه‌نگاری نیز باید گفت که تعداد شماره‌ها در طی بازه زمانی مشابه از چهار به شش افزایش یافت اما تعداد مقاله‌ها در این دو زمان بدون تغییر باقی ماند؛ یعنی هشت تا نه مقاله در هر شماره.

بنابراین، مجموع کلمات کلیدی در این دو مجله در نیمه نخست تا نیمه دوم زمان اعلام شده، تا دو برابر افزایش یافت. با این حال، مقایسه کمی میان کلمات کلیدی در این دو مجله نباید صورت گیرد چراکه نمونه‌های استخراج شده از مجله روزنامه‌نگاری شامل آن دسته از کلمات کلیدی می‌شود که نویسنده ارائه کرده است، در حالی که نمونه‌های استخراج شده از مجله مطالعات روزنامه‌نگاری علاوه بر اینها، شامل کلمات کلیدی تهیه شده از پایگاه داده‌ها نیز می‌شود، یا «واژگان موضوعی» که به پایگاه داده EBSCO ارجاع داده می‌شود. ما نمی‌توانستیم در طی فرایند استخراج، کلمات کلیدی ارائه شده نویسنده را از کلمات کلیدی تهیه شده از پایگاه داده جدا کنیم. با این حال، با توجه به خواندن دستی یک زیرمجموعه کلمات کلیدی متادیتای مجله مطالعات روزنامه‌نگاری، تفاوت معنایی چندانی را میان این دو دسته از کلمات کلیدی مشاهده نکرده‌ایم. این تفاوت بیشتر به نحوه بیان مربوط می‌شد. بنابراین، بدین صورت ادامه می‌دهیم که مجموعه داده‌ها به طور کلی مقالات را به خوبی معرفی می‌کند، اگرچه امکانات کافی برای مقایسه میان مجلات را به ما نمی‌دهد.

مجموع ۹,۱۷۴ کلمه کلیدی در مجموعه اطلاعات گردآوری شده، شامل نمونه‌های تکراری نیز می‌شد؛ اما با حذف این موارد، تعداد کلمات کلیدی منحصر به فرد به ۴,۵۴۵ رسید. با این حال، با توجه به نبود کلمات کلیدی استاندارد شده، بسیاری از آنها از لحاظ معنایی با یکدیگر مشابه بودند (به عنوان مثال اصول اخلاقی روزنامه‌نگارانه، اصول اخلاقی و اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری)؛ از این رو، ما تمامی کلمات کلیدی را که از لحاظ معنایی با یکدیگر شبیه بودند گروه‌بندی کردیم. علاوه بر این، برخی از کلمات کلیدی نیز چندان با اهداف تحقیق ما مرتبط نبودند. از میان کلمات کلیدی پرتکرار و رایج، مفاهیم کلی همچون «روزنامه‌نگاری» و

«خبر» نیز وجود داشت؛ برخی از آنها بیانگر تعلق جغرافیایی بودند (برای نمونه «روزنامه‌نگاری آمریکایی»، «یونانی») و برخی نیز تنها نام افراد یا مکان‌ها بودند (مانند «جرج آرول^۱»، «نیویورک تایمز^۲»). ما تمامی این کلمات کلیدی را با عنوان کلمات کلیدی نامرتبط کدگذاری کردیم که در نهایت، تنها ۸۲۶ کلمه از میان ۹،۱۷۴ کلمه کلیدی باقی ماند.

تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی - یافته‌ها

تنها ۲۵ مورد از کلمات کلیدی گروه‌بندی شده و مرتبط، بیش از ۲۰ بار در کل مجموعه اطلاعات گردآوری شده تکرار شدند و بیانگر این مسئله است که کلمات کلیدی در مطالعات روزنامه‌نگاری بسیار به نظریه دنباله کشیده (Long Tail) نزدیک هستند. بیش از نیمی (۴۴۵) از کلمات کلیدی گروه‌بندی شده و مرتبط، تنها یک بار تکرار شدند. بیشترین کلمات کلیدی پرتکرار در طول کل فرایند تحقیق، کلمه «اصول اخلاقی» بود که ۱۴۹ بار تکرار شد. به دنبال آن کلمات عینیت و حرفه‌ای‌گری بودند که به ترتیب ۹۷ و ۹۴ بار تکرار شدند.

در جدول ۱ و ۲، ۲۰ کلمه کلیدی گروه‌بندی شده و مرتبط را در دو بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ آورده‌ایم. سیزده کلمه کلیدی در فهرست ۲۰ کلمه کلیدی برتر در هر دو دوره آمده‌اند. با این حال، نتایج نشان می‌دهد که برخی طرح‌ها و اهداف اهمیت کمتری داشتند و برخی از اهمیت بیشتری برخوردار بودند.

-
1. George Orwell
 2. The New York Times

Figure 1. Occurrences of the 20 most frequent keywords, 2000-2006

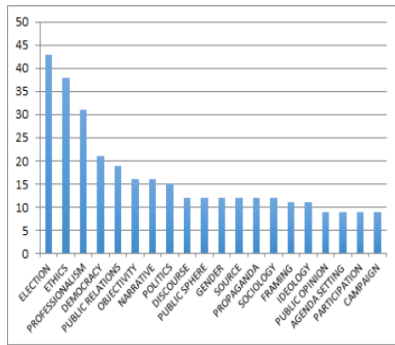
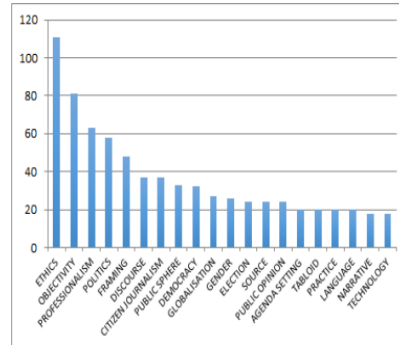


Figure 2. Occurrences of the 20 most frequent keywords, 2007-2013



اگر به کلمات کلیدی گروه‌بندی شده که در نیمه نخست (سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶) آمده‌اند و در نیمه دوم این بازه زمانی نیامده‌اند بنگریم همانند کمپین (کارزار)، ایدئولوژی، مشارکت، پروپاگاندا، روابط عمومی و جامعه‌شناسی؛ خواهیم دید که بیشتر آنها به رشته ارتباطات سیاسی مرتبط هستند که به دیدگاه وسیع‌تری از علوم سیاسی تعلق دارند (Zelizer 2004). این دیدگاه تا حدی مسلط‌ترین حوزه در نیمه نخست (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶) بود. ۱۲ کلمه از ۲۰ کلمه کلیدی پرتکرار در جدول ۱ (همانند انتخابات، دموکراسی، روابط عمومی، سیاست و حوزه عمومی، منبع، پروپاگاندا، ایدئولوژی، افکار عمومی، برجسته‌سازی، مشارکت و کمپین) را می‌توان به دیدگاه ارتباطات سیاسی یا علوم سیاسی مرتبط دانست.

دو دیدگاه مهم دیگر در دوره زمانی نخست، جامعه‌شناسی و زبان هستند. براساس طبقه‌بندی‌هایی که انجام دادیم، هر دو دیدگاه نام‌برده (در جدول ۱) از سه کلمه کلیدی شاخه‌بندی شده برخوردارند (جامعه‌شناسی: جنسیت، حرفه‌ای‌گری و جامعه‌شناسی؛ زبان: گفتمان، چارچوب‌بندی و روایت). سومین دیدگاه کشف‌شده در میان ۲۰ کلمه کلیدی گروه‌بندی شده برتر در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، «فلسفه» است که دو کلمه کلیدی زیرشاخه «اصول اخلاقی» و «عینیت» را در خود جای می‌دهد.

شایان ذکر است که بسیاری از این کلمات کلیدی خوشه‌بندی شده می‌توانند به چندین دیدگاه دیگر نیز تعلق داشته باشند و این بستگی به نحوه استفاده از آنها در مقاله‌ها دارد که در واقع، همین موضوع یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پیش روی تحقیق است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان هر دو کلمه کلیدی اصول اخلاقی و عینیت را در دیدگاه جامعه‌شناسی قرار داد اگر به‌گونه‌ای در مقاله استفاده شوند که به‌عنوان هنجار و یا ارزش درک شوند. با این حال، تلاش کردیم تا چنین تداخل‌هایی را به حداقل برسانیم و این کار را به‌عنوان مثال با کدگذاری کلمات کلیدی همچون «اصول اخلاقی حرفه‌ای» به کلمات کلیدی زیرشاخه «حرفه‌ای‌گری» انجام دادیم.

در بازه زمانی دوم و مطابق با آنچه در جدول ۲ می‌بینید، ارتباطات سیاسی یا عمل سیاسی همچنان دیدگاه غالب است، اما اکنون هشت کلمه کلیدی زیرشاخه را در خود جای می‌دهد که عبارت‌اند از: سیاست، روزنامه‌نگاری شهروندی، حوزه عمومی، دموکراسی، انتخابات، منبع، افکار عمومی و برجسته‌سازی. در مقایسه با بازه زمانی نخست، پرتکرارترین کلمات کلیدی شاخه‌بندی شده به دیدگاه فرهنگ تعلق دارند که در میان ۲۰ کلمه کلیدی شاخه‌بندی شده برتر از بازه زمانی نخست ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ مشاهده نمی‌شود. همچنین، فناوری که به دیدگاه فناوری تعلق دارد در بازه زمانی نخست مشاهده نمی‌شود.

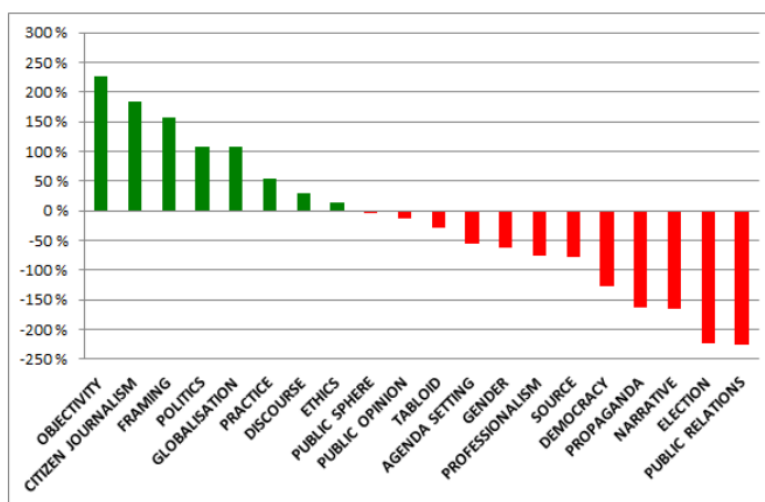
با وجود اینکه تحلیل‌های ما فقط قادرند اشاره‌های ابتدایی به این دیدگاه غالب داشته باشند؛ ولی مشخصاً روندهایی را که چطور این ۲۰ کلمه کلیدی پرتعداد، طی این دوره گسترش یافته‌اند نشان می‌دهد. شکل ۳ افزایش و یا کاهش استفاده از این کلمات کلیدی در مقایسه با افزایش کلی در کلمات کلیدی بین این دو دوره زمانی را نشان می‌دهد. واژه «عینیت» کلمه‌ای کلیدی است که بیشترین افزایش تکرار را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در مقایسه با افزایش کلی سایر کلمات داشته است. «روزنامه‌نگاری شهروندی» دومین کلمه‌ای است که بالاترین افزایش را دارد. و به‌طور

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۳۱

تقریبی می‌توان گفت این یک مثال از کلمات کلیدی منفرد است که یک ورود دراماتیک در این دوره مطالعاتی داشته است. در پایان روند کاهشی نمودار، کلمه «روابط عمومی» را می‌بینیم که نشانه مرزبندی در تمام تحقیقات ارتباطی می‌شود.

شکل ۳. روند استفاده از ۲۰ کلمه کلیدی پرتکرار جمع‌آوری شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ در مقایسه با افزایش کلی در مقدار کلمات کلیدی دوره‌های زمانی

Figure 3. Trends among the 20 most frequent clustered keywords from 2000–2013, relative to the general increase in the number of keywords during the same period.



تحلیل‌های چکیده - نمونه و روش

برای اینکه به یک فهم عمیق‌تر از دیدگاه‌های غالب و نقشی که نظریه در مقاله‌ها بازی می‌کند برسیم می‌بایست به تحلیل مفهومی از فراداده‌های ذهنی در زمینه هر یک از مقاله‌های منتشرشده در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳ و همچنین مقالات مجلات اقدام کنیم. به‌جای انتخاب مقاله‌ای از سال ۲۰۱۳، یکی از مقالات سال ۲۰۱۲ را انتخاب کرده‌ایم. چون مقالات سال ۲۰۱۳ به مقالات ژورنالی روزنامه‌نگاری دیجیتال

پرداخته‌اند. مقاله موردنظر، مقاله منتشرشده تیلور و فرانسیس^۱ است. با مقاله انتخاب‌شده سال ۲۰۱۲ قادریم که حوزه‌های مختلف ظاهر یک مقاله مجله در گذشته را با جنبه‌های روزنامه‌نگاری دیجیتال در گذشته طبقه‌بندی کنیم. ما می‌خواهیم در مقالات ژورنال، طرز بیان نظریه‌ها و همچنین تغییرات ممکن در روند این نظریه‌ها را در روزنامه‌نگاری طبقه‌بندی کنیم. ما مقایسه بین کل حجم مقالاتی از شروع هزاره سوم تا سال ۲۰۱۲ را انتخاب کردیم. اگرچه تفاوت فاحشی بین تعداد مقالات منتشرشده در دو حجم مقالات اول وجود دارد، اما هدف ما مقایسه مقالات مجلات سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ است. در سال ۲۰۱۳ تعداد مقالات به ازای هر شماره، از ۶ به ۸ مقاله مجله افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۱۳ چهلیمین مقاله مجله به حوزه روزنامه‌نگاری اضافه شد. این دو گروه مقالات مجلات در اندازه یکی هستند و در حجم مقالات با حجم مقالات سال ۲۰۱۲ قابل مقایسه‌اند. یکی از دلایل دیگری که باعث شد، این دو گروه مقالات در مقایسه با دوره‌های گذشته بررسی شوند، کم کردن کاهش تضادهای احتمالی در مطالب مختلف با موضوعات داده شده بود.

در همه این مقالات، ۱۹۵ چکیده را بررسی کردیم که ۹۰ مورد آنها از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳، (۵۸ مورد از آنها مربوط به مطالعات روزنامه‌نگاری و ۳۲ مورد از روزنامه‌نگاری) و ۱۰۵ مورد از سال ۲۰۱۲ (۵۰ مورد از مطالعات روزنامه‌نگاری و ۵۵ مورد از روزنامه‌نگاری) بوده‌اند.

تمام چکیده‌ها، با دقت مطالعه و با توجه به (۱) چیزی که به‌عنوان یک دیدگاه غالب نظم دهنده تلقی می‌شود؛ (۲) رویکرد نظری مورد استفاده (البته اگر استفاده شده باشد) و (۳) اینکه یک رویکرد نظری به‌صورت آشکار بیان شده یا نه، کدگذاری شدند (برطبق دسته‌بندی زیلر در سال ۲۰۰۴)، هرچند شمار زیادی از این مقالات عناصری بیش از یک دیدگاه دارند. چنین چکیده‌هایی به‌وسیله دیدگاهی که بیشتر در آنها غالب بود کدگذاری شدند. اگر هم شک و تردیدی وجود داشت، به مقاله اصلی مراجعه می‌کردیم.

هیچ‌گونه طبقه‌بندی از پیش تعریف‌شده‌ای برای کدگذاری در مطالعات استفاده نشده است. در اینجا، هر چکیده با تمام رویکردهای نظری مذکور در مقاله کدگذاری شد. تحلیلی آزمایشی از زیرمجموعه‌های چکیده‌ها نشان داد که تعداد زیادی از چکیده‌ها، یک مقاله تجربی هستند که دانش تجربی منتشرشده پیشین را بدون هیچ رویکرد نظری مشخص توصیف می‌کنند. بنابراین ما تصمیم گرفتیم شمار زیادی از چکیده‌ها را طبق روش «نظریه داده‌بنیاد» کدگذاری کنیم - صرف‌نظر از هرگونه اشاره دقیق به روش نظریه داده‌بنیاد در چکیده‌ها - در اینجا ما روش نظریه داده‌بنیاد را در یک روند گسترده شبیه یک ماده مطالعاتی که به نقش موارد تجربی به‌عنوان پایه و اساس نظریه‌های ساختاری تأکید می‌کند، خواهیم فهمید.

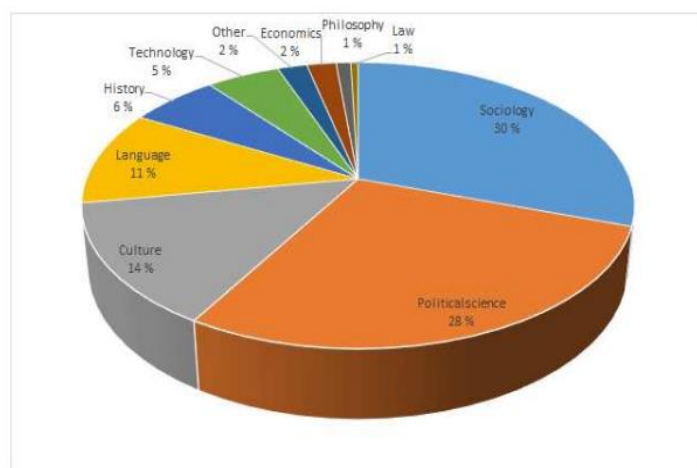
باتوجه به روشن بودن رویکردهای نظری، هر چکیده را با متغیرهای «بله» و «نه» و «تأحدودی» کدگذاری کردیم. «تأحدودی» زمانی استفاده می‌شود که رویکرد نظری وجود دارد؛ اما به‌صورت واضح قابل مشاهده نیست. در اینجا برخی از مثال‌ها وجود دارند و شامل چکیده‌هایی هستند که از واژگانی از قبیل «گفتمان»، «چارچوب» یا «برجسته‌سازی» استفاده کرده‌اند؛ بدون اینکه اشاره شود مقاله مورد بحث بر مبنای نظریه گفتمان، چارچوب یا برجسته‌سازی است. با این روش کدگذاری می‌خواهیم درباره نقش داده‌شده به نظریه در چکیده‌ها به مطالعه بپردازیم.

تحلیل چکیده‌ها - یافته‌ها

شکل ۴ توزیع دیدگاه‌های غالب در چکیده‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد: دیدگاه‌های دانش سیاسی و روان‌شناسی دیدگاه‌های غالبی هستند. درحالی‌که دیدگاه‌های فلسفی، اقتصادی و قانونی درصد کمی را به خود اختصاص داده‌اند. تحلیل کلمات کلیدی میزان نفوذ و یا رواج کلمات کلیدی از قبیل «اصول اخلاقی» و «عینیت» را که ما آنها را با عنوان فلسفه کدگذاری کرده‌ایم مشخص می‌کنند. تحلیل چکیده‌ها همچنین نشان می‌دهد که مقالاتی با کلمات کلیدی از این قبیل بهتر است در چارچوب

اجتماعی گنجانده شوند. به نظر می‌رسد دیدگاه اجتماعی با تمرکز روی حرفه‌ای‌گری سعی در ایجاد یک موقعیت مستحکم در این زمینه دارد.

Figure 4. Dominant perspectives in abstracts in the 2002, 2003 and 2012 volumes (N=195)



تفاوت بین این دو دوره در زمینه دیدگاه‌های غالب در این چکیده‌ها، اختلاف زیادی با آنچه که ممکن است یک فرد براساس تحلیل کلمات کلیدی به آن برسد، ندارد. دیدگاه‌های دانش سیاسی از ۳۲ درصد طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت. در حالی که دیدگاه‌های روان‌شناسی از ۲۶ درصد به ۳۴ درصد افزایش یافت. فرهنگ از ۱۳ درصد به ۹ درصد کاهش یافت، در حالی که «زبان» از ۸ درصد به ۱۳ درصد افزایش یافت. دیدگاه‌های تاریخی با کاهش همراه بوده در حالی که دیدگاه‌هایی که رشد زیادی داشتند شامل دیدگاه‌های فناوری (از ۳ به ۷ درصد) و اقتصادی (از صفر به ۴ درصد) بودند. تمام این یافته‌ها در راستای یافته‌های حاصل از تحلیل‌های کلمات کلیدی هستند.

با نگاهی به رویکردهای نظری پرتکرار در چکیده‌ها به این نتیجه رسیدیم که رویکرد نظریه داده‌بنیاد (که بیشتر تعریف شد) یکی از پرتعدادترین نظریه‌هاست. همان‌گونه که در شکل ۵ نشان داده شده است؛ تقریباً ۲۰ درصد تمام چکیده‌ها به‌طور متوسط در

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۳۵

دو دوره زمانی از این رویکرد استفاده کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که مطالعات روزنامه‌نگاری با یک دیدگاه مشخص شده‌اند که ساختار اهداف مطالعاتی خود را به وسیله ترسیم یافته‌های تجربی ایجاد می‌کند.

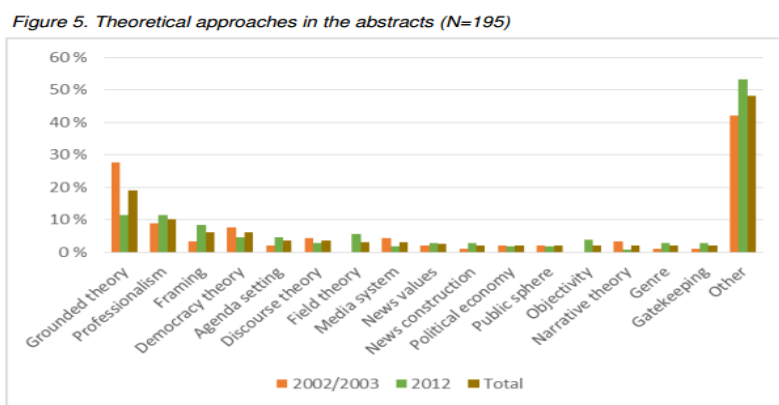
همچنین، از سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲ کاهش چشمگیری در استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد رخ داده و در عین حال، شاهد افزایش کلی استفاده از دیگر نظریه‌ها بوده‌ایم. گمان می‌رود که یک حرکت از تجربه‌گرایی به سمت آگاهی‌های نظری اتفاق افتاده باشد؛ یا حداقل تمایل به چرخش‌های نظری به وضوح قابل مشاهده باشد.

نظریه‌های مرتبط با علوم سیاسی («نظریه مردم‌سالاری»^۱، «برجسته‌سازی»^۲، «نظام‌های رسانه‌ای»^۳، «اقتصاد سیاسی»^۴، و «حوزه عمومی»^۵) و جامعه‌شناسی («حرفه‌ای‌گرایی»^۶، «نظریه میدان»^۷، «ارزش‌های خبری»^۸ و «دروازه‌بانی»^۹) از دیگر رویکردهای نظری پرتکرار هستند. اما در مجموع رویکردهای نظری - مثل کلمات کلیدی - به وسیله نظریه «دنباله کشیده» مشخص شده‌اند.

گروه «دیگر» در شکل ۵ رویکردهایی را که فقط یک و یا دو بار در چکیده‌ها از آنها استفاده شده، از محدوده «معرفت‌شناسی» به «شرق‌شناسی» نشان می‌دهد.

-
1. democracy theory
 2. agenda setting
 3. Media systems
 4. political economy
 5. public sphere
 6. professionalism
 7. field theory
 8. news values
 9. Gatekeeping

شکل ۵. رویکردهای نظری در چکیده‌ها (N=195)



میزان صراحت نظری در چکیده‌ها به میزان اندکی در بین دیدگاه‌های مختلف، متفاوت است. (درجه صراحت نظری تقریباً در یک سطح است).

چکیده‌ها با دیدگاه‌های علوم سیاسی، روان‌شناسی و فرهنگی افزایش چشمگیری در آگاهی‌های نظری دارند. برای مثال ۶۱ درصد (۲۲ از ۳۶) از تمام چکیده‌های سال ۲۰۱۲ مربوط به دیدگاه‌های روان‌شناسی هستند. در مقایسه با چکیده‌های سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۲، ۲۶ درصد (۶ از ۲۲) مشخصاً از رویکردهای نظری استفاده کرده‌اند. حرکت از تجربه‌گرایی به سمت آگاهی‌های نظری در دیدگاه‌های روان‌شناسی درباره روزنامه‌نگاری بسیار قابل توجه بوده است. در مجموع، از بین چکیده‌های سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۲، تنها یک‌سوم از چکیده‌ها به یک رویکرد نظری نام بردند، یک سوم به یک رویکرد اشاره کردند و یک سوم دیگر نیز هیچ اشاره‌ای به هیچ نظریه‌ای نداشتند. با این حال، نیمی از چکیده‌های سال ۲۰۱۲ صراحتاً به یک رویکرد نظری اشاره کردند و ۳۴ درصد از آنها به‌طور ضمنی ارتباط به یک رویکرد نظری را بیان کردند («تأحدودی»). این در حالی است که ۱۵ درصد از آنها هیچ اشاره‌ای به رویکردهای نظری نکردند. نتایج نشان دهنده افزایش میزان آگاهی‌های نظری واضح است. اما قوانین نوشتن چکیده به پژوهشگران این اجازه را می‌دهد که تحقیقات خود را بدون اشاره به نظریه‌ها توصیف کنند.

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۳۷

با وجود این تفاوت چشم‌گیری بین دو مجله وجود دارد. به ترتیب در چکیده‌های «مطالعات روزنامه‌نگاری» تقریباً هیچ افزایشی در آگاهی‌های نظری وجود ندارد. (از ۴۰ به ۴۲ درصد). در حالی که در چکیده‌های «روزنامه‌نگاری» شاهد افزایشی از ۲۲ به ۵۸ درصد هستیم.

بحث بر روی یافته‌ها

یافته‌های تحلیل‌ها نشان می‌دهد که:

- از سال ۲۰۰۰ تغییر عمده‌ای در مطالعات روزنامه‌نگاری از دیدگاه‌های علوم سیاسی به دیدگاه‌های روان‌شناسی اتفاق افتاده است.

- مطالعات روزنامه‌نگاری به شدت تحت تأثیر افزایش تنوع رویکردهای نظری قرار گرفته است. رویکردهای جدید از فناوری و اقتصاد بر مطالعات روزنامه‌نگاری تأثیر می‌گذارند که البته این تأثیر محدود است.

- جنبه‌های مرتبط با دیدگاه‌های فلسفی (مثل اصول اخلاقی و عینیت) به طرز چشم‌گیری برای مطالعات روزنامه‌نگاری اهمیت پیدا کرده‌اند. هرچند این جنبه‌ها در دیدگاه‌های فلسفی دیده نمی‌شوند اما در چارچوب‌های متمایل به جامعه‌شناسی از قبیل حرفه‌ای‌گری تحلیل می‌شوند.

- از سال ۲۰۰۰ میلادی حرکتی از تجربی‌گرایی به سمت آگاهی‌های نظری در مطالعات روزنامه‌نگاری صورت گرفته است؛ اما (تلویحاً) با وجود این نظریه‌داده‌بنیاد هنوز پر کاربردترین رویکرد است.

این اطلاعات می‌بایست با محدودیت‌های مجموعه داده‌ها وفق داده شوند. نخست، مجموعه داده‌ها تنها شامل چکیده‌ها و کلمات کلیدی از دو مجله نام برده می‌شوند. اگرچه که این دو، از مجلات قابل توجه در مطالعات روزنامه‌نگاری هستند، اما بسیاری از مجلات دیگر در زمینه‌های گسترده رسانه و ارتباطات فعالیت دارند و مطالب خود را در زمینه روزنامه‌نگاری منتشر می‌کنند. علاوه بر این افزایش چشمگیر مجلات به‌طور وسیع در این زمینه و در مطالعات روزنامه‌نگاری در یک دوره خاص از سال ۲۰۰۰ وجود دارد.

از جمله موارد مهم در این زمینه می‌توان به پیدایش مجله‌ای با نام «فعالیت (عمل) روزنامه‌نگاری» اشاره کرد که به‌عنوان رقیب مجله «مطالعات روزنامه‌نگاری» فعالیت خود را از سال ۲۰۰۶ آغاز کرده است.

دوم: مجلاتی که ممکن است برای انتشارات تجربی محور در مقایسه با دیگر انتشارات همانند تک‌نگاری‌ها^۱ مناسب‌تر باشند. با توجه به محدودیت در شمارش کلمات، مقالات مجلات ممکن است به ارائه‌ها و بحث‌های یافته‌های تجربی تمایل داشته باشند تا بسط دادن بحث‌های نظری؛ که این خود دلیل استفاده زیاد از روش تجربی نظریه داده‌بنیاد را در نمونه ما توضیح می‌دهد. هرچند که این قادر به توضیح افزایش در آگاهی‌های نظری که به آن دست یافتیم، نیست.

علی‌رغم این محدودیت‌ها، معتقدیم که یافته‌های ما به روند مهمی در مطالعات روزنامه‌نگاری اشاره دارد و بر این امر دلالت دارد که این رشته در حال رشد و تقویت و مستقل شدن به‌عنوان یک رشته دانشگاهی است. همان‌گونه که انتظار می‌رود آگاهی‌های نظری درون رشته‌ای، طی دوره‌های زمانی مشابه گسترش یافته‌اند.

با این حال، روش‌ها و ماهیت بین رشته‌ای مطالعات روزنامه‌نگاری به‌طور مداوم متکثر و در حال تغییر است که با «دنباله کشیده» در کلمات کلیدی و نظریه‌ها مشخص می‌شود.

در تحلیل چکیده‌ها، ما به بیش از صد نظریه متفاوت که تحقیقات را هدایت می‌کردند، رسیدیم، علی‌رغم آن که بخش عمده‌ای از آنها به دیدگاه‌های قدیمی در مطالعات علوم سیاسی، روان‌شناسی، زبان و فرهنگ مرتبط بودند. این نشان می‌دهد که مطالعات روزنامه‌نگاری هنوز قادر به ارائه یک تصویر منسجم از اینکه «روزنامه‌نگاری چیست»، نیست (Zelizer, 2009, 34). این مسئله هنوز مشخص نیست که آیا این انسجام ضروری است، یا یک هدف ممکن در عصر دیجیتال است، جایی که چندین نوع روزنامه‌نگاری در کنار هم قرار دارند و عملکرد روزنامه‌نگاری در حال از هم پاشیدن است. با این حال، ۱۴ شماره مجله روزنامه‌نگاری و مطالعات روزنامه‌نگاری

به‌طور مشخص در زمینه دستیابی به آنچه که نویسندگان در همان ابتدا به دنبال آن بودند؛ یعنی تزریق دیدگاه‌های تئوری متنوع به این رشته، موفق بودند (Zelizer, 2000; Franklin et al. 2000).

نتیجه‌گیری و ارائه یک موضوع خاص

با توجه به بین رشته‌ای بودن مطالعات روزنامه‌نگاری و با در نظر گرفتن محو شدن فزایندهٔ مرزهای روزنامه‌نگاری، اعتقاد ما بر این است که مطالعات روزنامه‌نگاری، به شدت نیازمند توسعهٔ بیشتر دامنهٔ دیدگاه‌ها و روش‌های نظری است. هدف اصلی این تحقیق خاص، کمک به ایجاد چنین تغییری است.

افزایش تعداد مقالات مرتبط با این موضوع خاص و مهم حاکی از آن است که تحقیقات نظری گسترده‌ای در زمینهٔ این رشته انجام و این مسئله منجر به گسترش دامنهٔ روزنامه‌نگاری شده است. همان‌طور که دیوید دومینگو^۱ پیر ماسیپ^۲ و ایرین کوسترا میجر^۳ در مقالهٔ خود به آن اشاره داشتند، به نظر می‌رسد که مسئلهٔ «عدم قطعیت در تکامل روزنامه‌نگاری» در عصر دیجیتال، یک اصل مشترک و بنیادی در رفع این موضوع است. با این حال، این تردید، سد راه محققان نشده، بلکه آنها را به کشف راه‌های جدیدی برای نظریه‌پردازی در حوزهٔ روزنامه‌نگاری و همچنین ارزیابی دوبارهٔ نظریات قدیمی سوق داده است.

در این مورد خاص، به روش‌هایی برمی‌خوریم که از طریق چهار شیوه، این چالش را دور می‌زنند؛ نخست، مقالاتی که ترکیب مفهومی را ارائه می‌دهند که با آنها می‌توان به درک درستی از دامنهٔ روزنامه‌نگاری رسید. دوم، مقالاتی که مفاهیمی را ارائه می‌دهند که با آنها می‌توان نظریه‌های بیشتری را در خصوص فناوری به‌عنوان بخش مهمی از روزنامه‌نگاری ارائه کرد. تمامی این مقالات در روزنامه‌نگاری دیجیتالی در هم آمیخته می‌شوند.

1. David Domingo
2. Pere Masip
3. Irene Costera Meijer

سوم، مجموعه‌ای از مقالات که در خصوص آزادی عمل کاربران در دامنه دیجیتال شده روزنامه‌نگاری بحث می‌کنند. (به‌عنوان مثال، حداکثر-حداقل مشارکت، روال‌ها-تفسیر- نمایندگی و تحرک- عبور- میانی‌گری و مشارکت). چهارم، همکاران ابزارهایی را از لحاظ تئوری ارائه می‌دهند که با کمک آنها می‌توان به درکی از فرایند تکامل روزنامه‌نگاری دست یافت. این مقالات در مجله *Journalism Practice* چاپ شده‌اند.

ارائه (معرفی) مقالات در حوزه روزنامه‌نگاری دیجیتال

موضوع روزنامه‌نگاری دیجیتال را ست لوئیس^۱ و اسکار وستلاند^۲ مطرح کردند. این دو بر این عقیده‌اند که مطالعه روزنامه‌نگاری دیجیتال نیازمند یک چارچوب اجتماعی - فنی است که بتواند نگاهی متضاد را با مطالعات پیشین در حوزه روزنامه‌نگاری دیجیتال که با تأکید بر چارچوب اجتماعی - فرهنگی بود، فراهم کند. چارچوب پیشنهادی آنها به مواردی همچون: کنشگران انسانی، فعالان تکنولوژیکی، موقعیت‌های مخاطبان و فعالیت‌هایی که از طریق آنها این موارد با هم در تعامل قرار می‌گیرند، توجه می‌کند.

الکس پریمو^۳ و گابریلا زاگو^۴ بیشتر به نقش فناوری در درک روزنامه‌نگاری و مرزهای آن تأکید می‌کنند. آنها فرضیه‌ای را با نام «کنشگر- شبکه» (ATN) ترسیم و موردی را علیه جبرگرایی اجتماعی در مطالعات روزنامه‌نگاری مطرح کردند. دیوید دومینگو^۵، پیر ماسیپ^۶ و ایرین کاسترا میجر^۷، با تأکید بر نظریه کنشگر - شبکه، عنوان کردند که فراهم کردن امکان درک روزنامه‌نگاری از طریق ایده شبکه‌های خبری می‌تواند بسیار مفید باشد.

1. Seth Lewis
2. Oscar Westlund
3. Alex Primo
4. Gabriela Zago
5. David Domingo
6. Pere Masip
7. Irene Costera Meijer

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۴۱

ویبک لوزن^۱ شرایطی را مطرح می‌کند که در آن عوامل متعددی در روزنامه‌نگاری دخیل می‌شوند و از این رو، تشخیص مرزهای دامنه روزنامه‌نگاری سخت می‌شود. وی در وهله اول بر این موضوع تأکید می‌کند که ایده از میان برداشتن محدودیت‌ها می‌تواند از نظریه سیستم‌ها بینش تئوری به دست آورد.

ژولیت دی مایر^۲ و فلورنس لو کم^۳، طرحی تئوری و روش‌شناختی را ارائه می‌دهند که بر اهمیت برنامه‌ریزی و شناخت دقیق تاریخچه اجتماعی روزنامه‌نگاری دیجیتال از دیدگاه مادی بودن تأکید می‌کند. هنریک بادکر^۴ سه روش اصلی را که براساس آن می‌توان به درکی از گردش در بافت روزنامه‌نگاری رسید، معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: نشر محتوا، نشر معنی و بازتولید فرهنگ.

پس از آن، امی اشمیت ویز^۵ پیشنهاد می‌دهد که می‌توان از طریق مفهوم «روزنامه‌نگاری فضایی» به فعالیت روزنامه‌نگاری و تجربیات خبری مخاطبان دست یافت.

ارائه (معرفی) مقالات در تمرین روزنامه‌نگاری

کریس پیتزر^۶ و تامارا ویتشگه^۷ پیشنهاد می‌دهند که از «روایت‌های بزرگ» به سمت «انتظارات کوچک» حرکت کنیم تا بتوانیم به درک درستی از نقش روزنامه‌نگاری در مشارکت دموکراتیک دست یابیم. آن‌ها بر نیاز به یک جنبه مخاطب‌شمول برای نظریه‌پردازی در حوزه روزنامه‌نگاری و دموکراسی تأکید می‌کنند. ایک پایکان^۸، سدریک کورتوا^۹ و استیو پالوسن^{۱۰} پیشنهاد می‌دهند که مطالعات روزنامه‌نگاری به یک «دیدگاه مخاطب رادیکال» نیازمند است.

1. Wiebke Loosen
2. Juliette De Maeyer
3. Florence Le Cam
4. Henrik Bødker
5. Schmitz Weiss
6. Chris Peters
7. Tamara Witschge
8. Ike Picone
9. Ike Picone
10. Steve Paulussen

هیکی هیکیلیا و لارا اهوا^۱ تئوری تمرین (عمل) را به‌منظور ایجاد یک چارچوب تدوین می‌کنند تا از این طریق بتوان ایجاد ارتباط اخبار در فعالیت‌های روزمره مخاطبان را مطالعه کرد. میراث تئوری تمرین برای مطالعه روزنامه‌نگاری را چندی بعد و به‌طور مفصل، کریستوف راتزش^۲ شرح داد. وی مطالعات روزنامه‌نگاری را به‌عنوان یک ساختار ارتباطات عمومی می‌داند که از طریق تمرین و فعالیت‌های روزنامه‌نگاران و مخاطبان به‌طور یکسان ظاهر می‌شود.

ماتیاس اکمن^۳ و آندرس ویدولم^۴ بر روی تغییر روابط منبع در محیط دیجیتال که به شبکه‌های اجتماعی همانند توئیتر مرتبط است، تمرکز می‌کنند. آنها اعتقاد دارند که یک دیدگاه نظری که بتواند به بهترین شکل، ارتباط جاری میان سیاستمداران و روزنامه‌نگاران را نشان دهد، وابستگی متقابل رسانه‌ای است.

پیتر برو^۵ و فیلیپ والبرگ^۶ در بررسی‌های خود در زمینه دروازه‌بانی به‌طور مفصل در خصوص این موضوع بحث کرده‌اند. آنها نشان می‌دهند که در حال حاضر، فعالیت ژورنالیستی از طریق مدلی که بر روی ماهیت بازتوزیع شده و یا حذف شده دروازه‌بانی متکی است، درک شدنی است. هایس ماویندی ماباویزارا^۷ یک چارچوب فرآیندی (متاتئوریک) برای مطالعه روزنامه‌نگاری آفریقایی در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد که بر روی جامعه‌شناسی و ساخت اجتماعی فناوری متمرکز است.

نقاط مبهم، کلام پایانی

مقالات ارائه شده درخصوص این موضوع خاص، دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، جامعه‌شناختی و تکنولوژیکی را به‌منظور درک روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال

-
1. Heikki Heikkilä & Laura Ahva
 2. Christoph Raetzsch
 3. Mattias Ekman
 4. Andreas Widholm
 5. Peter Bro
 6. Filip Wallberg
 7. Hayes Mawindi Mabweazara

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۴۳

ارائه می‌کنند. همچنین، بدیهی است که تجربیات و عملکرد کاربران را نمی‌توان به‌صورت مجزا و بدون در نظر گرفتن دیگر جنبه‌های روزنامه‌نگاری استدلال نظری کرد. بنابراین، این موضوع منبع غنی از مفاهیم ارائه می‌دهد که می‌توان از آنها استفاده کرد و در این حوزه به پیشرفت بیشتری دست یافت.

همچنین، باید این نکته را نیز یادآور شد که نقاط مبهمی نیز در این موضوع وجود دارد که به نظر می‌رسد به روندهای گسترده‌تری که روزنامه‌نگاری در آن تئوریزه شده، مرتبط است. این مجموعه مقالات بر روی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی تأکید دارند و از این رو، در راستای روند اصلی و نیز یافته‌های جامعه‌شناختی استخراج شده از تحلیل بر روی کلمات کلیدی و چکیده‌ها قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، دیدگاه‌های فلسفی نسبتاً کمی در روزنامه‌نگاری دیجیتال وجود دارد. ما معتقدیم که یک نقطه مبهم و تاریک محسوب می‌شود که تنها در خصوص این موضوع خاص، بلکه در سطح وسیع‌تر و در مطالعات روزنامه‌نگاری نیز مشاهده می‌شود. اگر بخواهیم به پرسش‌های اساسی در مورد ویژگی مبرم روزنامه‌نگاری بپردازیم، می‌بایست این نکته را در نظر بگیریم که مطالعات روزنامه‌نگاری باید به‌طور عمیق به دیدگاه‌هایی همچون: اصول اخلاقی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی متکی باشد. این دیدگاه‌ها، پژوهشگران را از قید و بند مطالعه بر روی روزنامه‌نگاری صرف در چارچوب مؤسسه‌ای، آزاد می‌کند.

ما همچنین معتقدیم که یک نیاز مبرم به تئوریزه کردن بصری - و ترکیب کامل از کیفیت رسانه‌ای - در روزنامه‌نگاری احساس می‌شود. دیجیتالی کردن، چالش‌های متعددی را برای ارائه بصری واقعیت به‌وجود می‌آورد. چنین بحثی را هنریک بادکر در این زمینه مطرح کرده؛ اما به اعتقاد ما، این حوزه‌ای است که می‌تواند از طریق استدلال نظری و ارتباط نزدیک‌تر به دیگر دیدگاه‌های پژوهشی بیش از پیش توسعه یابد. ارائه‌های بصری واقعیت در روزنامه‌نگاری با بحث‌های مرتبط با هستی‌شناسی و اصول اخلاقی ارتباط دارند و به‌طور چشمگیری به دیدگاه‌های فلسفی وابسته‌اند. یک موضوع

ویژه و نزدیک به فعالیت روزنامه‌نگاری در فوتوژورنالیسم (عکاسی خبری) که استوارت آلن^۱ ویرایش کرده، بی‌تردید دیدگاه‌های جدیدی را در خصوص اهمیت بالای روزنامه‌نگاری بصری ارائه خواهد داد.

علاوه بر این، نقش زبان به‌عنوان یک دیدگاه نظری در این موضوع خاص پر رنگ نیست. اگرچه تحلیل ما بر روی چکیده‌ها، افزایش نسبی دیدگاه‌های زبانی در مطالعات روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال را نشان داد، اما معتقدیم که این رشته می‌تواند در آینده از این موارد بیشتر بهره ببرد.

بی‌تردید این موضوع خاص، افزایش آگاهی در زمینه مطالعات روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال را به دنبال خواهد داشت. رشد و توسعه سریع تکنولوژیکی چشم‌انداز رسانه‌ای نیز ممکن است در پاره‌ای از اوقات، سدی بر سر راه پژوهش‌های محققان باشد. بدین معنی که این رشته به سرعت در حال تغییر است و حتی در زمینه الگوبرداری نظری نیز نمی‌توان همپای این تغییرات گام برداشت، چه برسد به نظریه‌پردازی در این حوزه. با این حال، شواهد حاکی از آن است که مطالعه و بررسی دقیق روزنامه‌نگاری دیجیتال از عینک (لنز) نظری امکان‌پذیر و ضروری است و این عینک می‌تواند از ترکیب نظریه‌های کلاسیک، دیدگاه‌های اکتشافی و بینش تجربی استفاده کند.

یادداشت‌ها

- «مطالعات روزنامه‌نگاری» تنها مجله بین‌المللی ویژه مطالعات روزنامه‌نگاری است که در فهرست ISI Web گزارش استنادی ژورنال علم (JCR) قرار دارد. این مجله در سال ۲۰۱۲، از لحاظ میزان تأثیر (۰,۷۹۸) در میان ۳۳ مجله حوزه مطالعات ارتباطات جای گرفت. همچنین، مجله «روزنامه‌نگاری» از سال ۲۰۱۴ در فهرست JCR قرار گرفته است. هر دو جزو زیرمجموعه‌های بخش مطالعات روزنامه‌نگاری ICA محسوب می‌شوند.

- کلمات کلیدی و چکیده‌ها با استفاده از روش زیر استخراج شدند:

نظریه‌های روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال ۲۴۵

نخست با استفاده از پلاگین Zotero مرورگر فایرفاکس، متادیتای مربوط به تمامی مقالات چاپ شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ دانلود شدند. در حین دانلود متادیتا از آرشیو آنلاین مجله «روزنامه‌نگاری»، کلمات کلیدی ثبت‌شده نویسنده به صورت خودکار و به عنوان بخشی از متادیتا دانلود شدند و این داندود از آرشیو آنلاین «مطالعات روزنامه‌نگاری» صورت نگرفت. برای این مجله، ما از پایگاه داده EBSCO بهره گرفتیم که با کمک آن، کلمات کلیدی به عنوان بخشی از متادیتا داندود می‌شدند. سپس، تمامی اطلاعات از Zotero استخراج و به EndNote وارد شدند. در این مرحله، یک تب جداگانه اکسپورت را در EndNote ایجاد کردیم که در آن نام مجله، عنوان مقاله، سال و کلمات کلیدی (تگ‌ها) استخراج شدند. پس از آن، فایل استخراج شده برای تجزیه و تحلیل به برنامه اکسل وارد شد.

- کلمه کلیدی «ایدئولوژی» را به عنوان واژه‌ای که به ایدئولوژی در مفهوم سیاسی دلالت دارد، دسته‌بندی کردیم. کلمات کلیدی همچون «ایدئولوژی حرفه‌ای» نیز در زیرمجموعه کلمه کلیدی «حرفه‌ای‌گری» جای گرفتند. با این حال، این موارد در کنار ماهیت کلمات کلیدی به عنوان اطلاعات پژوهش، ممکن است تأثیر و نفوذ دیدگاه مطالعات فرهنگی (و استفاده از «ایدئولوژی» در این بافت) در پژوهش روزنامه‌نگاری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

- تحلیل چارچوبی به عنوان یکی از مرسوم‌ترین روش‌های تحلیل در حوزه ارتباطات سیاسی به شمار می‌رود، اما از آنجایی که به جنبه‌های زبان مربوط می‌شود، ما در اینجا «چارچوب‌سازی» را به عنوان دیدگاهی زبانی دسته‌بندی کردیم.

- این نمونه آن قدری بزرگ نیست که بتواند یافته‌های مورد اعتماد مرتبط با دیگر دیدگاه‌ها را نشان دهد.

منابع

- Anderson, C. W. 2010. "Journalistic Networks and the Diffusion of Local News: The Brief, Happy News Life of the 'Francisville Four.'" *Political Communication* 27 (3): 289–309.
- Becher, Tony, and Paul Trowler. 2001. *Academic Tribes and Territories: Intellectual Enquiry and the Culture of Disciplines*. 2nd ed. Buckingham, UK: Open University Press.
- Breed, Warren. 1955. "Social Control in the Newsroom: A Functional Analysis." *Social Forces* 33 (4): 326–35.
- Broersma, Marcel J., and Chris Peters. 2013. "Introduction. Rethinking Journalism: The Structural Transformation of a Public Good." In *Rethinking Journalism: Trust and Participation in a Transformed News Landscape*, edited by Chris Peters and Marcel J. Broersma, 1–12. Oxon and New York: Routledge.
- Conboy, Martin. 2013. *Journalism Studies: The Basics*. London: Routledge.
- Day, Robert, and Barbara Gastel. 2012. *How to Write and Publish a Scientific Paper*. Cambridge University Press.
- Domingo, David. 2008. "Inventing Online Journalism: A Constructivist Approach to the Development of Online News." In *Making Online News. The Ethnography of New Media Production*, edited by Chris Paterson and David Domingo, 15–28. New York: Peter Lang.

- Franklin, Bob, Martin Hamer, Mark Hanna, Marie Kinsey, and John E. Richardson. 2005. *Key Concepts in Journalism Studies*. London, Thousand Oaks and New Dehli: Sage.

- Franklin, Bob, Gerd G. Kopper, Elizabeth Toth, and Judy VanSlyke Turk. 2000. "Editorial." *Journalism Studies* 1 (1): 5–7.

- Galtung, Johan, and Mari Holmboe Ruge. 1965. "The Structure of Foreign News the Presentation of the Congo, Cuba and Cyprus Crises in Four Norwegian Newspapers." *Journal of Peace Research* 2 (1): 64–90.

- Ghaziani, Amin, and Marc J. Ventresca. 2005. "Keywords and Cultural Change: Frame Analysis of Business Model Public Talk, 1975-2000." *Sociological Forum* 20 (4): 523–59.

- Heinrich, Ansgard. 2011. *Network Journalism: Journalistic Practice in Interactive Spheres*. New York and Oxon: Routledge.

- Hermida, Alfred. 2010. "Twittering the News: The Emergence of Ambient Journalism." *Journalism Practice* 4 (3): 297–308.

- Körner, Ann M. 2008. *Guide to Publishing a Scientific Paper*. Oxon and New York: Routledge.

- Löffelholz, Martin. 2008. "Heterogeneous – Multidimensional – Competing. Theoretical Approaches to Journalism: An Overview." In *Global Journalism Research: Theories, Methods, Findings, Future*, edited by David H. Weaver, Andreas Schwarz, and Martin Löffelholz, 15–27. Malden, MA: Blackwell.

- Löffelholz, Martin, David H. Weaver, and Andreas Schwarz, ed. 2008. *Global Journalism Research: Theories, Methods, Findings, Future*. Malden, MA: Blackwell.

- Mitchelstein, Eugenia, and Pablo J. Boczkowski. 2009. "Between Tradition and Change: A Review of Recent Research on Online News Production." *Journalism* 10 (5): 562–86.
- Peters, Chris, and Marcel J. Broersma, ed. 2013. *Rethinking Journalism: Trust and Participation In a Transformed News Landscape*. Oxon and New York: Routledge.
- Russell, Adrienne. 2013. *Networked: A Contemporary History of News in Transition*. Cambridge, UK and Malden, MA: Polity Press.
- Schudson, Michael. 2005. "Four Approaches to the Sociology of News." In *Mass Media and Society*, edited by James Curran and Michael Gurevitch, 4th ed., 172–97. London: HodderArnold.
- Singer, Jane B. 2008. "Journalism Research in the United States. Paradigm Shift in a Networked World." In *Global Journalism Research: Theories, Methods, Findings, Future*, edited by Martin Löffelholz, David H. Weaver, and Andreas Schwarz, 145–57. Malden, MA: Blackwell.
- Tumber, Howard. 2008. *Journalism*. Oxon and New York: Routledge.
- Wahl-Jorgensen, Karin, and Thomas Hanitzsch, ed. 2009a. *Handbook of Journalism Studies*. Oxon and New York: Routledge.
- . 2009b. "Introduction: On Why and How We Should Do Journalism Studies." In *Handbook of Journalism Studies*, edited by Karin Wahl-Jorgensen and Thomas Hanitzsch, 3–16. Oxon and New York: Routledge.

- Williams, Raymond. 1985. *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society*. Oxford University Press.

- Zelizer, Barbie. 2000. "What Is Journalism Studies?" *Journalism* 1 (1): 9–12.

———. 2004. *Taking Journalism Seriously: News and the Academy*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

———. 2009. "Journalism and the Academy." In *The Handbook of Journalism Studies*, edited by Karin Wahl-Jorgensen and Thomas Hanitzsch, 29–41. Oxon and New York: Routledge.

———. 2013. "On the Shelf Life of Democracy in Journalism Scholarship." *Journalism* 14 (4): 459–73.